

**Political developed from the perspective of social capital,
with an emphasis on trust
(with the approach of the Iranian - Islamic)
Case Study of city Shiraz**

Mohammadreza Damiri*

Seyyed Mostafa Abtahi**

Abstract

the precondition for political development and social capital of every country goes to the effectiveness of government. The aim of this study was to investigate the relationship between social capital and social capital and political development and introducing the element manufacturer's confidence in achieving political development with a native look (Islamic Irani) in Iran. Current research in terms of research, e-applications development and research methodology; mixed (quantitative-qualitative), analytical instruments, navigation is taking notes. The population of citizens of the city with a sample size of 283 people is randomly. The results of the study is significant direct relationship between social capital and trust component and endemic political development approach.

Keywords: social capital, political development, the Iranian Islamic model, trust, shiraz.

* Ph.d.student Political science, Faculty of Law and Political Science, University of Science and Research, Tehran, Iran (Corresponding Author), m.damiri2000@yahoo.com

** Assistant Professor, Department of Political Science, Tehran Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran, m.abtahi100@gmail.com

Date received: 17/02/2021, Date of acceptance: 02/05/2021



Copyright © 2018, This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.



پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

توسعه‌یافتگی سیاسی از منظر سرمایه اجتماعی با تاکید بر اعتماد (با رویکرد اسلامی - ایرانی)؛ مطالعه موردی شهر شیراز

محمد رضا دمیری*

سیدمصطفی ابطی**

چکیده

پیش شرط توسعه سیاسی و کارآمدی حکومت‌ها به سرمایه اجتماعی هر کشوری برمی‌گردد. سرمایه اجتماعی به عنوان پیوندها و هنجارهای مشترک و تعمیم اعتماد اجتماعی در سطح خرد و کلان نه تنها عامل تسهیل امور برای افراد و گروه‌هاست بلکه عامل مهم در شناسایی جامعه سیاسی نیز می‌باشد. هدف این پژوهش، بررسی ارتباط میان سرمایه اجتماعی و توسعه سیاسی و شناساندن جایگاه سرمایه اجتماعی و عنصر سازنده آن یعنی اعتماد، در رسیدن به توسعه سیاسی با نگاه بومی (اسلامی-ایرانی) در ایران است. پژوهش حاضر به لحاظ نوع تحقیق؛ توسعه‌ای - کاربردی و روش تحقیق؛ آمیخته (کمی - کیفی)، ابزار تحلیل؛ مبتنی فیش برداری و پیمایش می‌باشد. جامعه آماری شهروندان شهر شیراز با حجم نمونه ۲۸۳ نفر به صورت تصادفی ساده می‌باشد. اندازه گیری پایایی داده‌ها با آلفای کرونباخ ۰/۸۱۰ و در محیط نرم افزار spss20 و نرمال بودن توزیع داده‌ها نیز با آزمون کولموگروف-اسمیرنوف مورد بررسی قرار گرفت و روایی محتوا نیز توسط اساتید

* دانشجوی دکتری تخصصی علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علوم و تحقیقات تهران، ایران (نویسنده مسئول)، m.damiri2000@yahoo.com

** استادیار گروه علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران، ایران،

m.abtahi100@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۱/۲۹، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۲/۱۲



Copyright © 2018, This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose.

تایید شد. نتیجه کلی پژوهش بر این است که رابطه مستقیم و معنا داری بین سرمایه اجتماعی با مولفه اعتماد و توسعه سیاسی با رویکرد بومی وجود دارد.

کلیدواژه‌ها: سرمایه اجتماعی، توسعه سیاسی، الگوی اسلامی ایرانی، اعتماد، شیراز

۱. مقدمه

سرمایه اجتماعی (social capital) مفهوم جدیدی است که از علوم اجتماعی وارد میدان علوم سیاسی شده که حوزه وسیع پژوهشی و تاثیرگذاری بالقوه و بالفعل گسترده ای در صحنه روابط حکومت و جامعه دارد. سرمایه اجتماعی بر ارزش‌هایی تاکید دارد که شهروندان را به زندگی روزمره پیوند داده و روابط اجتماعی میان آنان را تقویت و تسهیل می نماید. سرمایه اجتماعی در واقع توانایی گسترش کنش، غنی سازی کنش، تسهیل کنش، کاهش هزینه کنش و منبع کنش اجتماعی - سیاسی را داراست و از سویی محمل و حاصل آن نیز می باشد. در مورد مفهوم سرمایه اجتماعی تعریف و رویکرد واحد و مشترکی وجود ندارد اما آنچه به عنوان مخارج مشترک همه رویکردها قابل طرح می باشد ذکر این نکته است که در واقع یکی از سرمایه های معنوی مهم در هر نظام اجتماعی که از مولفه های اساسی و کلیدی در توسعه و ثبات یک کشور محسوب می شود سرمایه اجتماعی است. از نظر نگارنده سرمایه اجتماعی در واقع به پیوندها و ارتباطات میان افراد جامعه به عنوان منبع با ارزش اشاره دارد که با در برداشتن ارزش های اخلاقی و هنجارهای اجتماعی و اعتماد به طور شبکه ای موجب تحقق اهداف جامعه من جمله توسعه سیاسی (political development) می شود. سرمایه اجتماعی توانایی بالقوه و بالفعل این را دارد که انسانهای دارای منافع متضاد و متنازع در یک وضعیت "بد بینانه" را به یک وضعیت خیر عمومی و یا فضیلت "خوش بینانه" سوق دهد. بنابراین اهمیت سرمایه اجتماعی در شکل گیری توسعه سیاسی در هر جامعه ای انکار ناپذیر است و استخراج مولفه های سرمایه اجتماعی همچون اعتماد برای دستیابی به توسعه سیاسی لازم و ضروری می نماید. از سویی دیگر ماهیت و مقوله توسعه سیاسی در جهان سوم همواره موضوع بحث برانگیز به ویژه از نیمه دوم قرن بیستم بوده و می باشد و دیدگاه‌های گوناگونی در راستای توسعه و چگونگی دستیابی به آن ارائه شده و همگی در پی پاسخ به این سوال بوده اند که با چه رویکردی و الگویی می توان به توسعه سیاسی جهانشمول در

همه جوامع دست یافت؟ با توجه به مطالعات صورت گرفته در این زمینه غالب پژوهش‌ها کم‌تر به نقش حیاتی سرمایه اجتماعی در توسعه سیاسی اشاره کرده‌اند. لذا این پژوهش در پی واکاوی و پر نمودن این نقیصه می‌باشد. مطالعه و بررسی سرمایه اجتماعی و اهمیت آن در چند دهه اخیر توسط کسانی چون پی یربوردیو، جیمز کلمن، فرانسیس فوکویاما و رابرت پاتنام با رویکردهای غربی صورت گرفته است. نگارنده نیز ضمن توجه به اهمیت و نقش سرمایه اجتماعی با محوریت اعتماد (trust) در راستای توسعه سیاسی، از ادبیات رایج در زمینه سرمایه اجتماعی با ادبیات توسعه و توسعه سیاسی با مبنا و رگه‌های غربی به دلایل "هستی‌شناسانه" و "معرفت‌شناسانه" فاصله می‌گیرد و با طراحی و ایجاد سازه بومی (الگوی اسلامی ایرانی) به تبیین و تشریح این مهم می‌پردازد. چرا که به اعتقاد اکثر پژوهش‌گران و اندیشمندان حوزه مطالعات فرهنگی و سرمایه اجتماعی حتی اگر مفهوم واحد داشته باشد قطعاً مصداق واحد در همه جوامع ندارد و اقتضای سرمایه بودن آن، این است که در هر جامعه‌ای متناسب با مقتضیات آن جامعه شکل بگیرد. لذا نمی‌توان میزان سرمایه اجتماعی مانند اعتماد را در جوامع مختلف با شاخص‌های یکسان سنجید (الویری، ۱۳۸۴، ص ۱۱۵). لذا اهمیت و ضرورت این پژوهش حاضر را می‌توان در موارد ذیل بیان نمود:

نقش بی‌بدیل سرمایه اجتماعی در پیروزی انقلاب اسلامی و لزوم حفظ و ارتقای آن
ضرورت‌های کشور در اسناد فرادستی و فرودستی در قالب برنامه‌های توسعه‌ای و
برنامه افق ۱۴۰۴

کم‌هزینه بودن سرمایه اجتماعی و پر دوام بودن نقش آن
بومی‌سازی سرمایه اجتماعی با توجه شرایط فرهنگی، مذهبی و تاریخی (احیاسازی
سرمایه اجتماعی با الگوی بومی)

به طور کلی هدف این پژوهش در چند سطح قابل بیان است: اهداف نزدیک (جزئی):
بررسی نقش سرمایه اجتماعی و توسعه سیاسی با رویکردی اسلامی-ایرانی و تبیین و
نسبت‌سنجی رابطه میان آنها می‌باشد. اهداف دور (کلان): ضرورت بازنگری در عوامل
زمینه‌ساز توسعه بویژه توسعه سیاسی در نزد سیاستمداران، مدیران، برنامه‌ریزان و
پژوهندگان در دو بعد تئوریک و پراتیک با تاکید بر اعتماد می‌باشد که مجموعه حاکمیت را
چه در حوزه تقنین چه در حوزه اجرا و برنامه‌ریزی یاری رساند و از طرفی به زبان‌های

ناشی از بی‌توجهی به سرمایه اجتماعی آگاه سازد. سوال کلیدی این پژوهش مبنی بر این است چه نسبت و ارتباطی بین سرمایه اجتماعی با محوریت اعتماد و توسعه سیاسی (با رویکرد بومی) در شهر شیراز وجود دارد. فرضیه پژوهش بر این است که سرمایه اجتماعی با شاخصه اعتماد نقش مستقیم و معناداری در توسعه سیاسی (مشروعیت سیاسی - مشارکت سیاسی) با رویکرد بومی در شهر شیراز دارد.

۲. پیشینه پژوهش

اهمیت سرمایه اجتماعی و نقش آن در توسعه (سیاسی) را شاید بتوان به سال ۱۸۳۱ هنگامی که آلکسی دو تو کوئل فرانسوی برای بررسی دموکراسی در آمریکا به این کشور سفر کرد ارجاع داد (محمدی، ۱۳۸۴، ص ۴). اگرچه در استفاده از مفهوم مستقیم سرمایه اجتماعی توافق چندانی وجود ندارد اما به طور کلی آنچه مورد وفاق نسبی است، این است که استفاده از این واژه نخستین بار در معنایی که امروز با آن سروکار داریم به سال ۱۹۱۶ یعنی به نوشته های لیداجانسون هانیفان سرپرست وقت مدارس ویرجینیای جنوبی در آمریکا در کتاب مهمش به عنوان "مرکز اجتماع" باز می‌گردد. او در توضیح اهمیت مشارکت (در تقویت حاصل کار مدرسه) مفهوم سرمایه اجتماعی را مطرح کرده است (تاجبخش، ۱۳۸۴، ص ۵۳۴). هانی فان در بحث از مراکز اجتماعات روستایی بر اهمیت احیاء مشارکت های اجتماعی برای تداوم دموکراسی و توسعه تاکید کرد و مفهوم سرمایه اجتماعی را وضع نمود (توسلی و موسوی، ۱۳۸۴، ص ۴). بعد از هانیفان اندیشه سرمایه اجتماعی تا چندین دهه ناپدید شد ولی در دهه ی ۱۹۵۰ توسط گروهی از جامعه‌شناسان شهری کانادایی و در دهه ۱۹۶۰ توسط جین جاکوبز در کتاب تاثیرگذارش به نام "مرگ و زندگی در شهرهای بزرگ آمریکا" به کار برده شد (الوانی و شیروانی، ۱۳۸۵، ص ۳). در دهه ۱۹۷۰ توسط گلن لوری (Glenn-Loury) و ایوان لایت (Evan-Light) مطرح شد (فوکویاما، ۱۳۷۹، ص ۱۰). اما از دهه ۱۹۸۰ به طور جدی توسط پی یربورديو، جیمز ساموئل کلمن، فرانسیس فوکویاما، به ویژه رابرت پاتنام در کتاب "دموکراسی و سنت های مدنی" به طور جدی وارد مباحث جامعه شناسی، اقتصاد و علوم سیاسی شد (Bullen, P & Onyx 1998:2) و (ازکیا و غفاری، ۱۳۸۳، ص ۲۷۸). فران توتکس در کتاب "اعتماد و سرمایه اجتماعی" ضمن جمع آوری مقالات صاحب نظران این امر، به

سرمایه اجتماعی و روابط اعتماد با سرمایه و اجتماعی جامعه مدنی اشاره می نماید از سویی کتاب حاضر مفهوم اعتماد را در متن جامعه و شکل های اجتماعی به چالش می کشد و ضمن ارائه تعریفی واقعی تر از جامعه که در آن مفاهیم اعتماد و سرمایه اجتماعی محمل ظهور بیش تری را داشته باشد، سایر مولفه های سرمایه اجتماعی را بحث می کشد (تونیکس، ۱۳۸۷). آقای کیان تاجبخش در کتاب "سرمایه اجتماعی: اعتماد، دموکراسی و توسعه" ضمن جمع آوری مقالات متنوع مهم سرمایه ی اجتماعی به اهمیت و جایگاه "اعتماد"، "دموکراسی" و "توسعه" با نگاه ویژه به مقوله سرمایه اجتماعی البته با رویکرد غربی می نگرند. (تاجبخش، ۱۳۸۴). محمود شارع پور در اثر "سرمایه اجتماعی: مفهوم سازی، سنجش دلالت های سیاست گذاری" ضمن بررسی تاریخچه مفهوم سرمایه اجتماعی، ریشه مفهومی سرمایه اجتماعی را به آثار ماکس وبر، دوکهایم وزیمل برمی گرداند و معتقد است آنچه سرمایه اجتماعی را در امر سیاسی وارد نموده بحث جامعه مدنی است. (شارع پور، ۱۳۸۵).

۳. چهارچوب نظری

در راستای نظریات متفاوت سرمایه اجتماعی تئوری سرمایه اجتماعی فرانسیس فوکویاما و به ویژه رابرت پاتنام در حوزه سیاست بیشتر مورد توجه می باشد. در این میان رابرت پاتنام بیشترین توجه را نسبت به مساله دموکراسی، جامعه مدنی، توسعه سیاسی و چگونگی دست یابی به آن را داشته است. تأکیده عمده وی بر نحوه تاثیر سرمایه اجتماعی بر رژیم های سیاسی و نهادهای دموکراتیک است (جان فیلد، ۱۳۸۶: ۵). او در تحقیقاتش روی تاثیر سرمایه اجتماعی بر رژیم های سیاسی و نهادهای دموکراتیک در پاسخ به این که چرا برخی حکومت ها علی رغم ساختارهای مشابه و منابع مالی و قانونی یکسان (مثل شمال و جنوب ایتالیا) در رسیدن به توسعه سیاسی موفق ترند؟ به بحث سرمایه اجتماعی اشاره می نماید (تاجبخش، ۱۳۸۴، ص ۹۶). از نظر پاتنام سه منبع مهم تسهیل گر در کنش مشترک؛ اعتماد، هنجارها-ارزش ها و شبکه ها می باشد که باعث بهبود و کارایی جامعه و تضمین منافع متقابل می شود (پاتنام، ۱۳۸۵، ص ۲۸۵). زیرا این عناصر یعنی الزامات اخلاقی و هنجاری، ارزش های اجتماعی (به ویژه اعتماد) و شبکه های اجتماعی (به ویژه انجمن های داوطلبانه) هستند که حکومت خوب و پیشرفت اقتصادی و

توسعه سیاسی را تضمین می کند. شالوده فکری پاتنام مبنی بر این است که اگر در حکومت و منطقه ای نظام اقتصادی و توسعه سیاسی از سطح بالایی برخوردار بود نتیجه انباشت موفقیت آمیز سرمایه اجتماعی و اعتماد گسترده در آن منطقه است. از نظر وی سرمایه اجتماعی مثابه هسته بنیادی است که در طی قرون متمادی در دل تاریخ یک جامعه حفظ و تقویت شده و پایه لازم را برای دستیابی آن جامعه به توسعه سیاسی و اقتصادی پایدار فراهم می آورد. سرمایه اجتماعی از نظر پاتنام وسیله ای اصلی برای رسیدن به توسعه سیاسی و اجتماعی در نظام های گوناگون سیاسی محسوب می شود (تاجبخش، ۱۳۸۴، ص ۹۵). بنابراین سرمایه اجتماعی پیش شرط توسعه سیاسی است. پاتنام عناصر اصلی سرمایه اجتماعی را در تعهد، اعتماد متقابل، ارزش ها و هنجارهای مشترک، احساس تعلق، صداقت و تعاملات اجتماعی می داند (Putnam, 1995.p134). البته رابرت پاتنام در میان عناصر ارزش و هنجاری بیشترین توجه خود را به "اعتماد" می نماید. چرا که اعتماد از مهم ترین و حیاتی ترین مولفه های سرمایه اجتماعی در رسیدن به توسعه سیاسی و امنیت می باشد. پاتنام سرمایه اجتماعی را به عنوان شبکه ای از انجمن های ارادی و خودجوش معرفی می کند که به وسیله اعتماد گسترش یافته اند (زتومکا، ۱۳۸۷، ص ۱۸). اعتماد با فضای حاکی از اطمینان خاطر میان مردم و دلتمردان و نخبگان سیاسی موجب توسعه سیاسی می شود. بنابراین اعتماد منبع با ارزشی است که اگر در حکومتی به میزان زیاد وجود داشته است به همان اندازه، امنیت، رشد سیاسی و توسعه اجتماعی بیش تر خواهد بود. عنصر اعتماد در اندیشه پاتنام مفهوم محض نیست بلکه عنصری کلیدی در بطن سرمایه اجتماعی و نماینده آن است. به اعتقاد پاتنام، اعتماد همکاری را تسهیل می کند و هر چه سطح اعتماد در جامعه ای بالاتر باشد احتمال همکاری هم بیشتر خواهد بود و خود همکاری نیز اعتماد ایجاد می کند. پاتنام تاکید می کند بدون اعتماد اغلب فعالیت های اصلی زندگی روزمره غیر ممکن می شود. او در کتاب بولینگ انفرادی بیان می کند که صداقت و اعتماد، اختلافات زندگی اجتماعی را حل می کند (Torgler, 2007.p4).

از نظر فوکویاما اعتماد یک ویژگی انسانی است که از طریق تعامل قابل مشاهده است. درجه بالای اعتماد در واقع تنوع گسترده ای از روابط اجتماعی را به همراه داد. فوکویاما از اعتماد به مشابه شاخصی برای بیان سرمایه اجتماعی در معنای ارزشهای جمعی شبکه های اجتماعی و اخلاق فرهنگی که بنیاد شد و ثبات اقتصادی را تشکیل می دهد، استفاده می کند. از نظر او اعتماد انتظاری است که از یک اجتماع برخوردار از رفتار منظم،

دارای روابط دوستانه مشروع و مبتنی بر تعاون و مشارکت بر می‌خیزد. (Batt, peter. 2008.p488). به تغییر وی اعتماد بر یک عادات اخلاقی و تعهدات رفتاری دو طرفه استوار است که بوسیله اعضای جوامع نهادینه می‌شود. از میان پژوهشگران این حوزه (اعتماد) فوکویاما پیش از سایرین به این بعد از سرمایه توجه کرده است. از سوی دیگر معتقد است بی‌اعتمادی باعث فرسایش سرمایه اجتماعی گردیده و به انزوا، ذره‌ای شدن، گسسته شدن پیوند ها و از بین رفتن شبکه روابط بین فردی می‌انجامد و از سوی دیگر با تحریک و برانگیختن افراد و جستجو برای یافتن جانشین ها، اغلب با پذیرش هوبت های غیر قانونی (در باندهای بزهکاری، خرده فرهنگ های منحرف و...) فرد را از حالت خود خارج کرده و او را از خود بیگانه می‌سازد. فوکویاما ضمن تاکید بر اهمیت فرهنگ در فعالیت های اقتصادی، تمایز ویژگی های فرهنگی همچون قابلیت اعتماد کردن و روحیه مردم آمیزی را در موفقیت فعالیت های اقتصادی شرح می‌دهد و تا آنجا پیش می‌رود که تقسیم بندی جغرافیای اقتصادی جهان را غیر مفید می‌خواند و معتقد است که کشورهای را بایستی بر اساس ویژگی فرهنگی آنها یعنی قابلیت اعتماد کردن آنها تقسیم بندی کرد. به نظر او سرمایه اجتماعی با "شعاع اعتماد" ارتباط تنگاتنگی دارد. هر اندازه شعاع اعتماد در یک گروه اجتماعی گسترده تر باشد سرمایه اجتماعی نیز زیادتر خواهد بود و به تبع آن میزان همکاری و اعتماد متقابل اعضای گروه نیز افزایش خواهد یافت (فوکویاما، ۱۳۷۹، ص ۲۱۸-۲۱۵). مفهوم شعاع اعتماد بر توانایی افراد جامعه بر فرا رفتن از خانواده و خویشان، داشتن همکاری و همیاری با دوستان، غریبه ها و دیگر شهروندان اطلاق می‌شود (همان، ۱۷). به اعتقاد فوکویاما جامعه ای دارای سرمایه اجتماعی بالایی است که دارای تعداد زیاد گروههای اجتماعی با اعتماد متقابل به یکدیگر و دارای انسجام گروهی باشد.

۴. ارائه مدل مفهومی (الگوی اسلامی - ایرانی)

الگو در واقع چارچوبی است که به یک حوزه علمی جهت و سازمان می‌دهد. از نظر نگارنده الگو می‌تواند نقشه جامعی برای پاسخ به "چرایی"، "چیستی" و "چگونگی" یک امر موضوعی باشد. ارائه الگوی بومی باید با مولفه‌هایی چون تاریخ، جغرافیا، اوضاع سرزمینی، آداب و رسوم، فرهنگ و میراث تاریخی، ایدئولوژی، جهان بینی و دین آن جامعه هم‌خوانی و سازگاری داشته باشد و مبتنی بر آن باشد. چرا که تفاوت در فرهنگ ها، تفاوت

در آرمان‌ها و رفتارها را شکل می‌دهد و انتظارات از الگوی توسعه را متأثر می‌کند و طراحی الگوی توسعه نیز نمی‌تواند بدون توجه به ویژگی‌های فرهنگی خاص ترسیم شود. بنابراین در الگو سازی باید ملاحظات تمدنی و شناخت‌شناسی، هستی‌شناسی، ارزش‌شناسی و فرهنگ‌شناسی هر اجتماعی مورد توجه قرار گیرد (ابطحی، ۸۴-۸۳ ص ۸). الگوی اسلامی ایرانی مجموعه نظام مندی از مفاهیم، اصول موضوعه، قوانین و راهبردهاست که ساختار منطقی وضعیت موجود را تحلیل، وضعیت مطلوب را تبیین و راهبرد حرکت از وضعیت موجود به مطلوب را ارائه می‌دهد. در راستای ضرورت ارائه الگوی اسلامی-ایرانی می‌توان به هماهنگ سازی برنامه‌های راهبردی جامع با مبانی ارزشی-فرهنگی به عنوان "مظروف" و از سویی تطبیق‌نمایی مزیت‌های انسانی، تاریخی، جغرافیایی، منابع طبیعی و سایر فرصت‌ها به عنوان "ظرف" اشاره نمود (بنیانیان، ۱۳۸۹، ص ۱۴-۱۱). توسعه مبتنی بر قابلیت‌های بومی از یک طرف موجب گوناگونی و از طرف دیگر در صورت برآورده شدن نیازهای محسوس و قابل درک نظام اجتماعی موجب یک‌سانی در اثر بخشی الگوهای توسعه و پیشرفت در جوامع بشری است (خوش‌چهره، ۱۳۹۱:۲۳۱). اسلامیت الگو نشان‌گر ضرورت هم‌خوانی الگو با مبانی هستی‌شناسی، شناخت‌شناسی، انسان‌شناسی، ارزش‌شناسی اسلامی و نظام ارزشی و توجه به آموزه‌ها و تعالیم ثابت اسلامی است و ایرانیت الگو از یک طرف نماینگر اراده، فکر و ظرفیت ایرانی و از سویی دیگر به واقعیات (گذشته، حال، آینده) و ظرفیت‌های بالفعل و بالقوه سرزمین (جغرافیای-کالبدی) و ملت ایران توجه دارد. ایرانیت با ظرف نهادی در راستای توسعه و اسلامیت با مظروفیت تعالی به مسیر توسعه سیاسی می‌تواند هدف بخش باشد. لذا آنچه در این پژوهش حائز اهمیت می‌باشد الگوسازی و بومی‌سازی سرمایه اجتماعی و توسعه سیاسی با رویکرد اسلامی-ایرانی می‌باشد. الگویی که علی‌رغم شعار چندین ساله به‌طور جدی توسط پژوهشگران تئوریزه نشده است و اگر هم شده کلی‌گویی بوده و به‌طور تحلیلی و مصداقی تشریح نشده است. این پژوهش سعی در پردازش این الگو همراه با شاخصه‌های آن می‌نماید. دلایل بومی‌سازی الگوی اسلامی-ایرانی توسعه سیاسی؛

اکملیت و جامعیت منابع تمدنی، دینی و ارزشی الگوی بومی

باور به مبانی تمدنی اسلامی ایرانی و معرفت و آگاهی نسبت به آن (تولید و بازتولید

مبانی تمدنی)

متناسب با باورها، هنجارهای مردم (سازگاری الگو با مبانی ارزشی و تمدنی)
مبتنی بر فرهنگ و اعتقادات مردم (انطباق الگو با فرهنگ حاکم و باورهای اجتماعی)
رهایی از الگوهای تک خطی توسعه (جایگزین سازی الگو)
افزایش امنیت، قدرت ملی، عزت ملی، انضباط اجتماعی و احساس مسئولیت اجتماعی
سازگار با الگوی بومی
توجه به ظرفیت‌پذیری و ظرفیت‌سازی منابع داخلی (احیا سازی منابع الگو)
تطبيق پذیری مبانی توسعه با مبانی سرمایه اجتماعی در الگوی بومی

۵. شاخص‌های توسعه سیاسی

مهم‌ترین شاخصه‌های توسعه سیاسی در این پژوهش "مشروعیت سیاسی" و "مشارکت سیاسی" می‌باشد. بحث مشروعیت سیاسی در عرصه دولت و حاکمیت و بحث مشارکت سیاسی در عرصه ملت و نظارت سیاسی دو رکن بنیادین سیاسی و مستقل از هم اما در عین حال مرتبط به هم هستند. مشروعیت سیاسی جوهری‌ترین وجه توسعه سیاسی و مشارکت سیاسی ظاهرترین وجه توسعه سیاسی است که در تمام الگوهای سیاسی و حکومتی به آن توجه شده است. بحث مشروعیت و حقانیت حکومت و فرمانروایی عده‌ای و فرمانبری گروهی دیگر و اطاعت از آن مسائلی است که از مهم‌ترین پرسش‌ها و دغدغه‌ها در طول تاریخ فلسفه سیاسی بوده‌اند و پرداختن به آن ضامن حفظ و بقای نظام سیاسی با همه نهادها، قوانین و ارزش‌های آن است. نبود مشروعیت سیاسی در دولت، موجب بحران مشروعیت و به دنبال آن باعث به وجود آمدن بحران مشارکت خواهد شد که در نتیجه به عدم کارایی نظام می‌انجامد. مهم‌ترین فایده مشروعیت، مشروع‌سازی حکومت و رضایت‌مندی آن، ثبات سیاسی و توسعه سیاسی حکومت می‌باشد. به دست آوردن مشروعیت یک نظام خود نیز تأثیرگذاری عمیقی بر میزان مشارکت سیاسی آن دارد. مشروعیت بیان‌کننده رابطه میان رهبران و افراد در یک جامعه است و تنها از طریق درست‌بودن گفتار و عملکرد نخبگان و سیستم سیاسی است که افراد حاضرند همکاری‌ها و مساعدت‌های لازم را در دولت انجام دهد و یک حکومت هنگامی برای مردم مشروعیت دارد که از اعتقاد و اعتماد اجتماعی لازم برخوردار باشد. چرا که بی‌اعتمادی و

آنومی یکی از موانع مهم توسعه سیاسی هر حکومتی است و به عبارتی سرآغاز منشاء بحران‌های پنج‌گانه (مشروعیت- مشارکت، نفوذ، هویت) می‌باشد. بنابراین مسئله مشروعیت به ارزش‌های مشترک میان دولت و ملت اشاره دارد و بی‌ثباتی و بحران زمانی است که این ارزش‌ها کمرنگ شود. ذکر این نکته لازم است در راستای مشروعیت سیاسی با توجه به الگوی اسلامی سنجه مشروعیت مورد نظر پژوهش مشروعیت عرضی اعتباری است که جنبه اثباتی دارد و نه مشروعیت به ذات که منشا آن خداوند متعال است که جنبه ثبوتی دارد.^۱ از طرفی در راستای مشارکت سیاسی باید گفت مشارکت سیاسی فرآیندی است که مجموعه افراد جامعه با شرکت خودجوش، عقلانی، آگاهانه، داوطلبانه، آزادانه و افقی در تصمیم‌گیری‌ها در اداره و سازماندهی جامعه سهیم می‌شوند و سیاست عمومی را تبیین می‌کنند. مشارکت سیاسی هم دربر دارنده درخواست‌ها و حمایت‌ها، هم گزینش سیاسی و هم در فرآیند‌های سیاسی نظارت نقش تعیین‌کننده دارد. از این رو مشارکت سیاسی شهروندان شرط لازم و ضروری توسعه مردم‌سالاری دینی می‌باشد.

۶. اعتماد و نقش آن در توسعه سیاسی با توجه به مبانی دینی (اسلامی)

یکی از کارکردهای مهم دین در طول تاریخ، ایجاد اطمینان و اعتماد در عرصه‌های مختلف می‌باشد. (زین آبادی، ۱۳۸۷، ص ۱۵۳-۱۵۲). مطالعات انجام شده نشان می‌دهد که اعتماد اجتماعی نسبت به اقشار و گروههایی که به نحوی به نهادهای فرهنگی، آموزشی و دینی ارتباط دارند در مقایسه با اقشار دیگر افزون‌تر است. ریشه این امر را باید در مولفه‌های "اعتماد ساز" جستجو کرد که از یک طرف با آموزه‌های دینی و از طرف دیگر با اعتقادات و باورهای عمومی در ارتباط نزدیک هستند و هرچه ارزش‌های دینی، فرهنگی و اخلاقی تقویت شده باشد رفتار افراد پیش‌بینی پذیرتر است؛ چرا که افراد در چهارچوب قواعد خاصی رفتار می‌کنند و مناسبات اجتماعی میان آنان به صورت روان و کم‌هزینه صورت می‌گیرد (شریفی، ۱۳۸۷، ص ۲۸۲). بسیاری از اصول مانند درستکاری، صداقت، کمک و محبت به دیگران در زمره هنجارهای دینی است و همه این خصوصیات می‌تواند زمینه تقویت اعتماد اجتماعی را فراهم نماید. لذا کسانی که به طور شخصی یا اجتماعی با آموزه‌های دینی ارتباط دارند هم مورد اعتماد هستند و هم اعتماد بیشتری به دیگران دارند (همان، ص ۲۹۲). تکوین سرمایه اجتماعی مستلزم وجود عواملی چند است که یکی از آن

عوامل دین و فرهنگ دینی است. به نظر می‌رسد دین به عنوان ارزش‌ها متعالی با کارکردهایی چون مشارکت، صداقت، تعهد، انضباط بخشی و ... سازو کارهایی را موجب می‌شود که در قالب آنها سرمایه اجتماعی شکل می‌گیرد و سایه‌های تحکیم توسعه را فراهم می‌نماید. بنابراین رابطه دین و اعتماد اجتماعی - سیاسی مساله‌ای است که به دلیل وجود چشم‌انداز دینی توسعه، در جامعه کنونی ایران حائز اهمیت است. در این راستا منابع اسلامی به طور کلی بزرگترین و مهمترین منابع اعتماد ساز با توجه به مولفه‌های گوناگون در یک نظام اجتماعی می‌باشد: اما آنچه در این میان از نظر نگارنده مهم و قابل‌پیوندسازی با مساله اعتماد در لایه‌های اجتماعی و سیاسی جامعه ایران و وضعیت حاکم بر آن برای رسیدن به توسعه سیاسی با توجه به ماهیت پژوهش می‌باشد می‌توان به نماگرهای زیر اشاره نمود:

۱.۶ صداقت و راست‌گویی

این شاخص زیر بنای دیگر شاخص‌های اعتماد می‌باشد. صداقت در واقع یک ویژگی اخلاقی است که در اجتماع نقش آن امتداد می‌یابد. صداقت در میان افراد، مسوولین، نهادها و همبستگی میان آنها بسیار حیاتی است که بدون آن تعامل و تبادل اجتماعی با مشکل مواجه می‌شود. اخلاص در نیت و عمل و صداقت در پندار، گفتار و کنش نقش مهمی در تعاملات اجتماعی داشته و دارد. زیرا افراد معتقد به خدا وقتی بر اساس اخلاص در عرصه‌های مختلف در مسیر حل مشکلات اجتماعی دیگران گام برمی‌دارند از هرگونه انگیزه، هدف مادی، شخصی و نفاق پرهیز می‌کنند و بیش از همه مورد اعتماد دیگران قرار می‌گیرد. در قرآن کریم نیز به کرات به مقوله اعتماد اشاره و تاکید زیادی برای ایجاد محیط مبتنی بر صداقت و درست‌ی شده است. قرآن با تاکید بر قراری صلح و آشتی، وفای به عهد، کتمان نکردن حقیقت، و راست‌گویی و دروغ‌نگفتن و صداقت در واقع به فراهم کردن زمینه‌های ایجاد اعتماد اجتماعی اشاره می‌نماید (بقره، آیات ۲۰۸، ۳۷/۴۰، ۴۴). حضرت امیر نیز در راستای افزایش اعتماد می‌فرماید حاکمان باید صادق باشند و از دادن وعده‌های دروغین به مردم پرهیز کنند. امام علی در این باره می‌فرماید: ((پرهیزید از این که مردم را وعده‌ای دهید و در وعده خلاف آری، که خلاف وعده، خشم خدا و مردم را بر می‌انگیزاند. چرا که خداوند فرموده است: بزرگ دشمنی است نزد خدا بگوئید

و عمل نکنید (نهج البلاغه/ نامه ۵۳). لذا حضرت امیرمؤمنان همواره به حاکمان اسلامی توصیه می کند که از بزرگ نمایی کارهای خود و دادن وعده های دروغین پرهیز نموده و همواره راستگویی و صداقت را پیشه خود سازند. "فلیصدق رائد اهله. پس پیشوایان قوم باید با مردم خود به راستی سخن بگویند (امام علی /خطبه ۱۵۴). حضرت علی هم چنین خطاب به مالک اشتر می فرماید: برای کنترل کارگران خود دیده بانی از اهل صدق و وفا تعیین کن (نهج البلاغه/نامه ۵۳). حضرت امام رضا می فرماید: سیره پیامبر چنین بود هرگاه سپاهی را به جایی می فرستاد به فرمانده آن اعتماد بود، آن حضرت فردی مورد اعتماد را همراه سپاه می فرستاد تا اوضاع و احوال سپاه و فرمانده آن را زیر نظر داشته باشد و به آن گرامی گزارش دهد (رسائل الشیعه، ج ۱۵ به نقل از خواجه سروری و دیگران، ۱۳۹۲، ص ۵۰). بنابراین اگر در جامعه ای افراد از روی صداقت به تعامل با یکدیگر بپردازند بیش از هر جای دیگر در آن اعتماد وجود دارد. و این مساله در اسلام بیش از هر جای دیگر امکان ظهور و بروز دارد (فصیحی، ۱۳۸۹، ص ۹۰).

۲.۶ عدالت

بسیاری از ویژگی سرمایه اجتماعی و توسعه از این مسیر عبور می نماید و معنا و مفهوم واقعی خود را پیدا می کنند. دین اسلام نیز توجه زیادی به مساله عدالت و انصاف که یکی از زیربناهای مهم اعتماد است می نماید. در آیات و روایات اسلامی کررا به حاکمیت عدالت در روابط انسان ها توصیه شده است. در اندیشه و سیره امام علی که نماد و اسوه حکومت اسلامی است، عدالت دارای جایگاه محوری و محکم در تنظیمات حیات اجتماعی انسان هاست. ارزش و اهمیت عدالت از منظر امام در درجه بالایی از اعتبار است که انگیزه اصلی حضرت در قبول حکومت می باشد. از آنجایی که امام علی فلسفه حکومت را اجرای عدالت در میان مردم می داند، پس یکی از بهترین راههای کسب اعتماد آنان را نیز استقرار عدالت در میان آنها دانسته و می فرماید: ((به درستی که بهترین چشم و روش زمامداران، استقامت و استقرار، عدالت در شهرها و بروز مودت و محبت مردم جامعه درباره آن می باشد که مودت و محبت آنان به زمامداران نمی جوشد مگر اینکه دلهای مردم درباره زمامدارانشان سالم باشد (نهج البلاغه/نامه ۵۳). از دیدگاه حضرت امیر، عدالت لازمه زندگی اجتماعی است. زیرا عدالت محکم ترین پیوند دولت و مردم و همدلی و همراهی

آنان و ایجاد اعتماد متقابل، جز در سایه عدالت و انصاف حاصل نمی‌شود. امیرمومنان می‌فرمایند: عدالت نظام بخش حکومت است (تهرانی، ۱۳۷۹، ص ۲۵۳). ایشان همواره کارگزاران خود را پیوسته به رعایت عدالت در اداره امور سفارش می‌کرد: چنان‌چه وقتی محمدبن ابی بکر را والی مصر قرار داد در فرمانی به او یا دآور می‌شود؛ تا مردم را به نرمی رفتار کند و همه را به یک چشم بنگرد و خویش و بیگانه را در حق برابر شمارد. از سویی برقراری اعتماد متقابل میان افراد جامعه بویژه حاکمان و مردم، یکی از عوامل مهم دست‌یابی به آرامش و امنیت در حوزه سیاسی است. از این رو امام علی در فرمان خود به مالک اشتر، آن را مهمترین عامل ایجاد آرامش خاطر حاکمان و فراغت بال آنان در رسیدگی به امور مردم و توسعه و ترقی داشته، می‌فرماید: «پس رفتار تو چنان باشد که خوش‌گمانی رعیت برایت فراهم آید، که این، رنج دراز را از تو می‌برد، به خوش‌گمانی تو، آن کس سزاوارتر که از تو به او نیکی رسیده و بدگمانی بدان بیشتر است که از تو بدی دیده» (امام علی/نامه ۵۳). بنابراین باید گفت حاکمیت عدالت یکی از مولفه‌های کلیدی در مشروع سازی حکومت‌ها و به تبع آن مشارکت‌گستری در بین افراد جامعه می‌باشد.

۳.۶ شفافیت در امور

ابهام کاری، عدم پاسخگویی و عدم شفافیت در سطح زندگی سیاسی-اجتماعی (چه در سطح فردی و چه در سطح گروهی) بی‌اعتمادی را در جامعه رواج می‌سازد. زیرا یکی از عواملی که از بی‌عدالتی‌ها و فسادهای بالقوه جلوگیری می‌نماید، شفافیت است. لذا شفافیت و پاسخگویی، مشخص بودن مسوولیت انجام کار، تعویض پذیر بودن مسوولیت، پاسخ‌گویی در قبال امور محوله، مستند و مستدل بودن پاسخ، توجیه‌سازی منطقی و عینی مردم نسبت به کم و کیف مسائل جامعه یکی از ارزش‌های کلیدی در نظام مردم‌سالاری دینی می‌باشد. لذا این مسائل در نهج البلاغه در نامه‌ها و حکمت‌هایی چون (نامه ۵۳، نامه ۵۰، حکمت ۹۱، ۱۳۴، ۲۴۲، ۲۵۷، ۳۳۰، ۴۶۴...) بسیار سفارش و اشاره شده است. حضرت علی می‌فرماید: اگر شهروندان درباره تو ستم روا داشتند، گمان بردند، دلیل خود را برایشان شفاف و آشکار کن و با این شفاف‌سازی است که گمان‌های بد ایشان را از خویش بگردانی (نهج البلاغه/نامه ۵۳). ایشان بنای حکومت را بر صداقت، روشنی و شفاف‌سازی می‌گذارد، چنانچه در آغاز حکومت خویش، روش حکومت‌دارای مدیریت

خود را چنین بیان می‌کند: ((به خداوند سوگند هرگز به اندازه سر سوزنی حقیقت را پنهان نداشته‌ام و هیچ‌گونه دروغی نگفته‌ام (نهج البلاغه/خطبه ۱۶). حضرت امیر هم‌چنین می‌فرماید: "هان بدانید که حق شما در نزد من آن است که هیچ‌رازی را جز در جنگ- از شما پنهان ندارم (نهج البلاغه/نامه ۵۰). بنابراین یکی از راههای وصول به خوش بینی و اعتماد به مردم، اطلاع‌رسانی بدون واسطه و شفاف‌سازی در جمع مردم قلمداد می‌کند و می‌فرماید: بدان که نفوس مردم راضی نمی‌شوند و قبول نمی‌کنند که تو غایبانه ادای حقوق خویش کرده، تا مشافهه حاجات ایشان را نشنوی... (نهج البلاغه/نامه ۶۷). یا نمونه این شفاف‌سازی در نامه ۲۵ آن حضرت نیز می‌بینیم. هم‌چنین در نامه ۵۳ امیر مومنان به مسوولیت‌پذیری و حساب‌کشی کارگزاران در برابر عامه مردم اشاره می‌نماید و آن را مبنای اصلاح حکمرانی می‌داند و تأکید می‌کند پاسخگویی و مسوولیت فقط در باب زیردستان جاری نمی‌شود، بلکه حکمرانان عالی‌رتبه را نیز در برمی‌گیرد و در ادامه می‌فرماید: اگر شهروندان گمان بردند که تو از حق منحرف شده‌ای، دلیل خود را که از حق منحرف نشده‌ای بر ایشان آشکار کن و در این میان روشنگری کن. در این میان مسوولین را به برقراری اعتماد و اطمینان رابطه میان زیردستان سفارش می‌کند. لذا در این راستا شفافیت و پاسخگویی هم‌چنانکه بر اعتماد‌سازی متقابل میان مردم و مسوولین منجر می‌شود باعث مشارکت‌پذیری و مشروعیت‌سازی نظام سیاسی مورد نظر نیز می‌شود. و زمینه و مسیر را برای توسعه سیاسی هموار می‌سازد. چرا که یکی از ویژگی‌های بارز جوامع توسعه‌یافته سیاسی؛ شفافیت و شفاف‌سازی (پاسخگویی) است.

۴.۶ شایستگی (شایسته‌سالاری)

شایستگی شامل مهارت‌ها، دانش و تخصص‌های بین‌فردی افراد است. شایستگی مبین این است که آن فرد می‌تواند به آنچه بگوید عمل کند. ما هنگامی به فرد اعتماد می‌کنیم که مطمئن شویم او از توان و مهارت لازم جهت آنچه می‌گوید برخوردار است. شایستگی یکی از مولفه‌های اعتماد‌سازی می‌باشد که همواره در دین مبین اسلام مورد توجه بوده و می‌باشد. شایستگی نشان‌دهنده داشتن شرایط لازم برای انجام کار و صلاحیت در امور، اهلیت داشتن و مهارت، و تناسب بین استعدادها و مسوولیت و اعتقاد و باور به آن ویژگی می‌باشد. اگر افراد نالایق اداره امور را به دست بگیرند، نه تنها اهداف نظام سیاسی

محقق نمی‌شود. بلکه سلامت و کارآیی آن نظام اجتماعی به هم می‌خورد و بی‌اعتمادی و بی‌ثباتی را رایج می‌سازد. از دیدگاه اسلام زمامداران امانت دار مردم اند، و از مصادیق امانت داری این است که کارها را به کاردان و شایستگان سپرده شود. که در غیر این صورت باب همه ستم‌ها گشوده و بی‌عدالتی حاکم می‌شود. خداوند متعال می‌فرماید: ان تودو الاماناتها با اهلها (امانت‌ها را به اهلش بازگردانید...) (نساء ۵۸ و انبیاء ۱۰۵). چراکه مدیریت و ریاست امانتی است سنگین که باید به اهلش سپرده شود. سیره عملی پیامبر اکرم و امیر مومنان، در دوران زمامداری خود مبتنی بر رعایت شایستگی و استحقاقها و اهلیت در واگذاری و مسوولیت بوده است. در الگوی جامع صلاحیت اداری در نهج البلاغه به ضرورت شایسته‌سالاری، حاکمیت قانون، وفای به عهد، شفافیت، اعتمادسازی... تاکید شده است و در سراسر نهج البلاغه عبارت‌ها و دلالت‌های بسیاری، از ضرورت شایسته‌سالاری حکایت دارند. امیر مومنان به کار گماری و انتصاب افراد فاقد صلاحیت برای اداره امور را موجب شکست و هلاکت می‌دانند (آمدی تیمی، ج ۷، ۱۳۶۶؛ به نقل از شیخی، ۱۳۹۰، ص ۱۰۰). خروجی نامه ۵۳ نهج البلاغه نیز بیانگر آن است که شایستگی اخلاقی - خودسازی و مهار نفس، مقدمه شایستگی اخلاق برای حکمران سالم است. بدون مهار نفس، کارگزار اداره همواره در معرض سقوط و انحطاط در سراسی بی‌سوءاستفاده از قدرت دارد. حضرت امام خمینی نیز در راستای شایستگی و شایسته‌سالاری می‌نویسد: همه دست اندرکاران به ویژه رئیس جمهور باید از چاپلوسان و دغلبازان زبان‌بازان حیل‌گر برحذر باشند و مشاوران خود را از اشخاص سلیقه‌دار که تعهداتشان قبل از انقلاب مشهود بوده است انتخاب کنند. بسا که منحرفان و منافقان خود را با ظاهری آراسته به تقوا جا بزنند و با دست‌ما به اسلام و کشور اسلامی صدمه بزنند (امام خمینی، ۱۳۸۵، ص ۳۷۰). در دیدگاه امام خمینی، تنها راه شایستگی ملت و کشور، شایستگی دولت آن است. "بدبختی و خوشبختی ملت‌ها بسته به اموری است که یکی از جهات آن صلاحیت‌داشتن هیات حاکمه است، اگر هیئت حاکمه فاسد باشد، مملکت را به فساد می‌کشند (همان، ۲۲۰) و حضرت امام بارها بر تخصص و صلاحیت در کارها تاکید می‌نمایند (همان). بنابراین شاخصه‌های مورد نظر (صداقت، شایستگی، ثبات، شفافیت، انصاف و عدالت...) کنش‌های اجتماعی را تسهیل کرده و هزینه ارتباط‌های اجتماعی را کاهش می‌دهد. از نظر نگارنده بسیاری از دشواری‌های کشورهای توسعه‌نیافته که با آن دست و پنجه نرم می‌کنند با عدم راستگویی و صداقت، عدم شفافیت رهبران و

مدیران و عدم حاکمیت عدالت (رویه ای، قضایی، توزیعی)، عدم شایستگی آنان در ارتباط مستقیم است که بر بی اعتمادی آنها می افزاید و زمینه های تزلزل اجتماعی یک نظام سیاسی را برملا می سازد. زیرا اعتماد مردم به مسوولان از سویی و اعتماد به افراد جامعه از سوی دیگر ایجاد قدرت، مشروعیت و انگیزه مشارکت و توسعه می نماید. در کشورهایی که دروغ، خلف وعده، خیانت در امانت، بی عدالتی، عدم شایسته سالاری نهادینه شده است، دیگر معنا و مفهومی از سرمایه اجتماعی که زیر بنای توسعه سیاسی است مشاهده نمی شود.

۷. روش تحقیق

تحقیق حاضر با توجه به اینکه بر اساس الگوی بومی و جمعیت شناختی داخلی صورت گرفته از نظر نوع تحقیق توسعه ای - کاربردی، و از نظر روش تحقیق خود آمیخته (کمی - کیفی) یا ترکیبی می باشد. برای جمع آوری داده های این پژوهش از دو روش کتابخانه ای و پیمایشی استفاده شده است. در زمینه مبانی نظری و ادبیات و پیشینه تحقیق، از منابع کتابخانه ای و مقالات با استفاده از ابزار فیش برداری و در حوزه تحقیقات میدانی نیز به منظور جمع آوری داده ها و اطلاعات برای تجزیه و تحلیل از پرسشنامه "محقق ساخته" استفاده گردیده است. روش نمونه گیری این پژوهش به صورت تصادفی ساده با حجم نمونه پژوهش ۲۸۳ نفر از شهروندان شهر شیراز می باشد.

پرسشنامه پژوهش شامل دو قسمت است:

الف) سؤالات عمومی: در سؤالات عمومی سعی شده است که اطلاعات کلی و جمعیت شناختی در رابطه با پاسخ دهندگان جمع آوری گردد این بخش شامل ۴ سؤال می باشد.

ب) سؤالات تخصصی: این بخش شامل ۸ سؤال است. در طراحی این قسمت سعی گردیده است که پرسشنامه تا حد ممکن کوتاه بوده و به آسانی قابل فهم باشد. که برای پاسخ به پرسش های اصلی پرسشنامه از طیف ۵ تایی به صورت جدول زیر استفاده شده است:

پرسش ۸	پرسش ۷	پرسش ۶		
۲۸۳	۲۸۳	۲۸۳	تعداد	
۳/۸۷	۳/۴۱	۳/۴۶	میانگین	پارامترهای نرمال
۰/۶۸۶	۰/۸۶۴	۰/۸۶۸	خطای استاندارد	
۴/۴۱۶	۴/۸۰۶	۵/۷۸۰	آزمون کولموگروف-اسمیرنوف	
۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	سطح معنی دار	

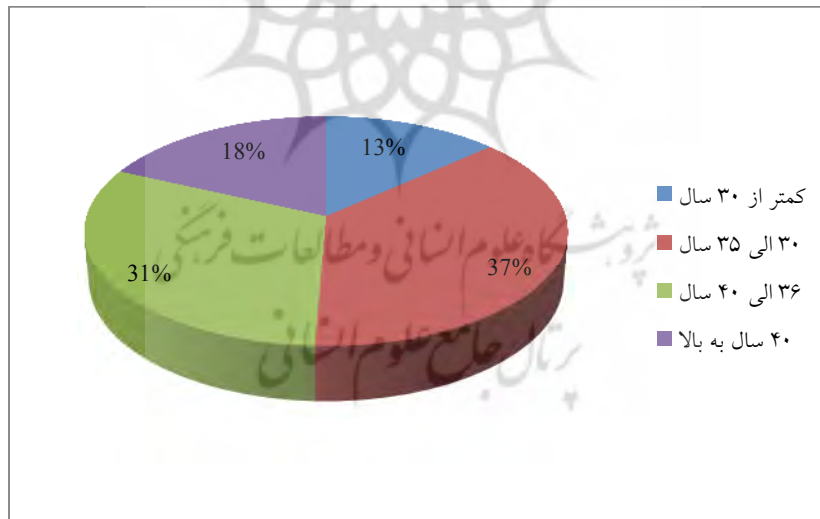
همان‌طور که جداول بالا نشان می‌دهند، توزیع داده‌های پرسش‌نامه‌ها، با استفاده از آزمون کولموگروف-اسمیرنوف نرمال و مورد تایید می‌باشد.

۳.۷ یافته‌های تحقیق

یافته‌های بدست آمده در دو بعد زیر قابل بررسی است:

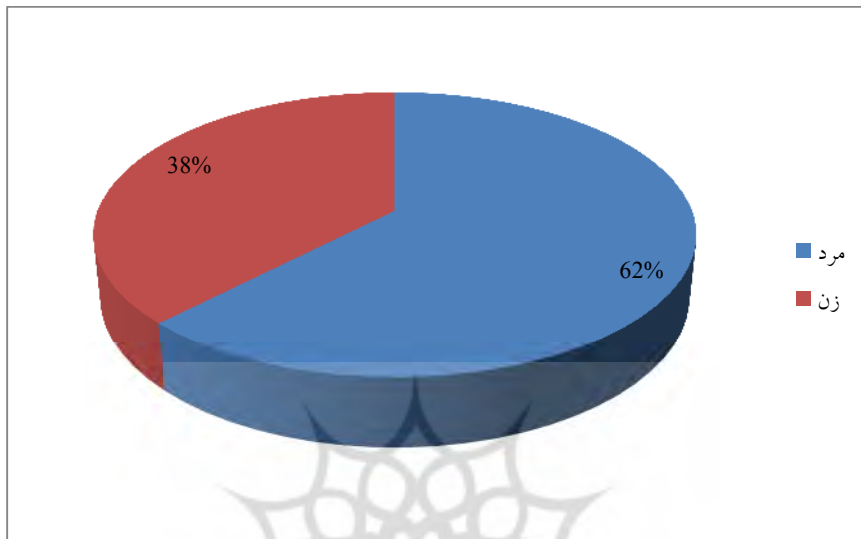
الف) آمار توصیفی: آمار توصیفی نمونه‌ی آماری پژوهش حاضر به این ترتیب است:

الف: توزیع سنی: نمودار زیر، توزیع سنی نمونه‌ی آماری تحقیق حاضر را نشان می‌دهد:



همان‌طور که نمودار بالا نشان می‌دهد، بیشترین سن مربوط به ۳۰ الی ۳۵ سال و کم‌ترین سن مربوط به کمتر از ۳۰ سال است.

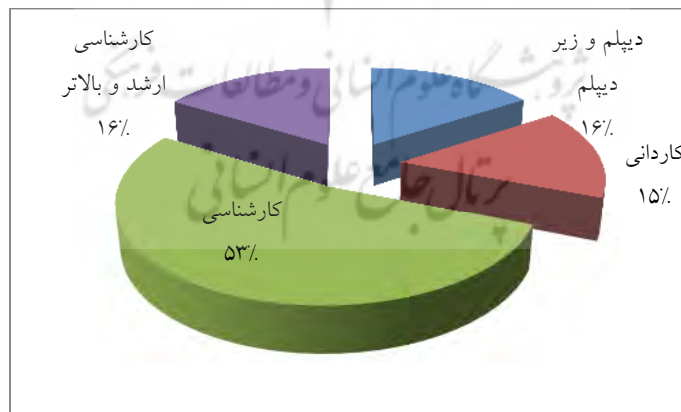
ب: توزیع جنسیتی: نمودار زیر، توزیع جنسیتی نمونه‌ی حاضر در پژوهش حاضر را نشان می‌دهد:



همانطور که نمودار بالا نشان می‌دهد، بیشترین تعداد نمونه‌ی آماری، مربوط به مردان است.

پ: توزیع تحصیلی:

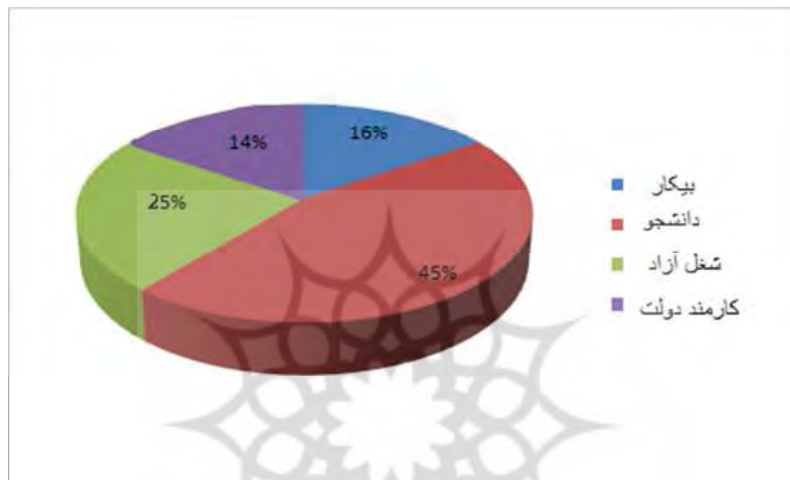
نمودار زیر، توزیع تحصیلی نمونه تحقیق را نشان می‌دهد:



نمودار بالا نشان می‌دهد که بیشترین تحصیلات، مربوط به مقطع کارشناسی، و کم‌ترین آن، مربوط به کاردانی است. ۱۶ درصد، دیپلم و زیر دیپلم، ۱۵ درصد، کاردانی، ۵۳ درصد، کارشناسی، و ۱۶ درصد، کارشناسی ارشد و بالاتر هستند.

ت: توزیع از نظر شغل

نمودار زیر، توزیع نمونه‌ی آماری پژوهش از نظر شغل را نشان می‌دهد:



شکل بالا نشان می‌دهد که بیشترین شغل، مربوط به دانشجویان، و کمترین شغل، کارمندان دولت هستند. به طور کلی آمار توصیفی ما به لحاظ سن، تحصیلات، شغل و جنسیت در این پژوهش صرفاً جهت توصیف جامعه آماری و طبقه بندی آن می‌باشد.

ب) آمار استنباطی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
آزمون نماگرهای پژوهش: در تمامی آزمون نماگرهای این پژوهش از رگرسیون (همبستگی) استفاده شده است.

آزمون نماگر اول: «صداقت و راستگویی مسوولین با مردم و در میان جامعه، بر مشروعیت سیاسی و مشارکت سیاسی نظام سیاسی می‌افزاید». جدول زیر، نتایج حاصل از آزمون این نماگر را نشان می‌دهد:

نتایج آزمون نماگر اول:

توسعه یافتگی سیاسی از منظر ... (محمد رضا دمیری و سید مصطفی ابطحی) ۴۵

صدقت و راستگویی مسوولین		
۰/۵۷۷	ضریب همبستگی	مشروعیت سیاسی و مشارکت سیاسی
۰/۰۰۰	سطح معنی دار	
۲۸۳	تعداد	

همان گونه که در جدول بالا ملاحظه می شود، در سطح خطای $\alpha = 0.05$ داریم: $0 \cong Sign < \alpha = 0.05$ و این بدان معناست که فرض اول پژوهش مبنی بر این که «صدقت و راستگویی مسوولین با مردم و در میان جامعه، بر مشروعیت سیاسی و مشارکت سیاسی نظام سیاسی می افزاید.» تایید می شود.

آزمون نماگر دوم:

«حاکمیت عدالت و عدم تبعیض در جامعه، باعث مشروعیت، مشارکت سیاسی و اعتماد به نظام سیاسی می شود.» جدول زیر، نتایج حاصل از آزمون این نماگر را نشان می دهد:

نتایج آزمون نماگر دوم:

حاکمیت عدالت		
۰/۴۷۲	ضریب همبستگی	مشروعیت، مشارکت سیاسی و اعتماد به نظام
۰/۰۰۰	سطح معنی دار	
۲۸۳	تعداد	

از جدول بالا چنین برمی آید که در سطح خطای $\alpha = 0.05$ داریم: $0 \cong Sign < \alpha = 0.05$ و این بدان معناست که فرضیه نماگر دوم پژوهش مبنی بر این که «حاکمیت عدالت و عدم تبعیض در جامعه، باعث مشروعیت، مشارکت سیاسی و اعتماد به نظام سیاسی می شود.» تایید می شود.

آزمون نماگر سوم:

«شفافیت سازی مسایل و امور اجتماعی سیاسی، باعث افزایش مشروعیت سیاسی و نهایتاً مشارکت سیاسی می شود.» جدول زیر، نتایج حاصل از آزمون این فرضیه ارائه می کند:

نتایج آزمون نماگر سوم:

شفافیت سازی		
۰/۶۲۲	ضریب همبستگی	افزایش مشارکت سیاسی و مشروعیت سیاسی
۰/۰۰۰	سطح معنی دار	
۲۸۳	تعداد	

جدول بالا نشان می‌دهد که در سطح خطای $\alpha = .05$ داریم: $0 \cong Sign < \alpha = .05$ و این بدان معناست که نماگر سوم پژوهش مبنی بر این که «شفافیت سازی مسایل و امور اجتماعی سیاسی، باعث افزایش مشروعیت سیاسی و نهایتاً مشارکت سیاسی می‌شود» تایید می‌شود.

آزمون نماگر چهارم:

«شفاف سازی مسایل حاکم بر جامعه باعث ایجاد و انگیزه مشارکت و مشروعیت سیاسی می‌شود».

نتایج آزمون نماگر چهارم:

شایستگی		
۰/۴۲۵	ضریب همبستگی	افزایش مشروعیت و مشارکت سیاسی
۰/۰۰۰	سطح معنی دار	
۲۸۳	تعداد	

جدول بالا نشان می‌دهد که در سطح خطای $\alpha = .05$ داریم: $0 \cong Sign < \alpha = .05$ و این بدان معناست که نماگر چهارم پژوهش مبنی بر این که «شفاف سازی مسایل حاکم بر جامعه باعث ایجاد و انگیزه مشارکت و مشروعیت سیاسی می‌شود» تایید می‌شود.

۸. نتیجه‌گیری

همان‌طور که اشاره شد در واقع سرمایه اجتماعی یکی از منابع کلیدی در هر نظام سیاسی و نظام اجتماعی برای رسیدن به ابعاد توسعه (بویژه توسعه سیاسی) است. به عبارتی سرمایه اجتماعی در واقع زیر بنای توسعه فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی و مقدم بر آن است زیرا که سرمایه اجتماعی در واقع توانایی گسترش کنش، غنی سازی کنش، تسهیل کنش، کاهش هزینه کنش و منبع کنش اجتماعی - سیاسی را داراست. بنابراین هرچه سطح

سرمایه اجتماعی در یک جامعه و نظام سیاسی بیشتر باشد آن نظام به لحاظ سیاسی توسعه‌یافته‌تر و پاسخگوتر است و بالعکس. در این پژوهش نیز سرمایه اجتماعی به پیوندها و ارتباطات میان افراد جامعه به عنوان منبع با ارزش اشاره دارد که با دربرداشتن ارزش‌های اخلاقی و هنجارهای اجتماعی و اعتماد موجب تحقق اهداف جامعه می‌شود تعریف شد. این پژوهش برخلاف نظریات مطرح شده در راستای توسعه سیاسی تاکید و اولویت خود را بر سرمایه اجتماعی و منابع آن می‌داند. آنچه این پژوهش را نسبت به این نظریات به‌ویژه تئوری‌های رابرت پاتنام و فوکویاما متمایز می‌کند نگاه و مطالعه بومی (اسلامی - ایرانی) نسبت به مقوله سرمایه اجتماعی و ارتباط آن با توسعه سیاسی می‌باشد. زیرا توسعه در تمامی ابعاد (بویژه توسعه سیاسی) با مولفه‌هایی همچون تاریخ، جغرافیا، اوضاع سرزمینی، ادب و رسوم، فرهنگ، مذهب و جهان بینی آن جامعه باید همخوانی داشته باشد که تحت عنوان الگوی بومی قلمداد می‌شود. از سویی دین به عنوان ارزش‌ها متعالی با کارکردهایی چون مشارکت، صداقت، تعهد، انضباط بخشی و ... سازو کارهایی را موجب می‌شود که در قالب آنها سرمایه اجتماعی شکل می‌گیرد و سایه‌های تحکیم توسعه را فراهم می‌نماید. بنابراین رابطه دین و اعتماد اجتماعی - سیاسی مساله‌ای است که به دلیل وجود چشم انداز دینی توسعه، در جامعه کنونی ایران حائز اهمیت است. در این راستا منابع اسلامی به طور کلی بزرگترین و مهمترین منابع اعتماد ساز با توجه به مولفه‌های گوناگون در یک نظام اجتماعی می‌باشد. از همین زاویه این پژوهش سعی در بازشناسی جایگاه اعتماد به عنوان یکی از مهم‌ترین المان‌های سرمایه اجتماعی با رویکردی بومی داشت. مهمترین شاخص‌ها و نماگرهای سنجش اعتماد در این پژوهش برای توسعه‌یافتگی سیاسی، در بردارنده: (صداقت، عدالت، شفافیت و شایستگی) بود که در دو حوزه نظری و عملی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت و با توجه به آمار استنباطی مشخص گردید ارتباط و رابطه کلیدی و معناداری میان اعتماد به عنوان مهمترین مولفه سرمایه اجتماعی و نماگرهای موجود با توسعه سیاسی و شاخص‌های آن (مشروعیت سیاسی و مشارکت سیاسی) با رویکرد بومی وجود دارد که با مطالعه موردی در شهر شیراز این امر مشخص گردید.

پی‌نوشت‌ها

۱. برای اطلاعات بیشتر رک به: - نسبت مشروعیت و مشارکت سیاسی در اندیشه سیاسی امام خمینی. نجف لک زایی. مقیمی، غلامحسین. پژوهش نامه انقلاب اسلامی، سال اول، زمستان ۱۳۹۰. - نظرگاه اسلام در جستاری بر تقریرهای مشروعیت نظام سیاسی. کریمی والا. محمدرضا. حکومت اسلامی، سال پانزدهم، شماره سوم، ۱۳۸۹.

کتاب‌نامه

- قران مجید، ترجمه: مهدی الهی قمشه ای.
- ابطحی، سید مصطفی (۱۳۸۵). توسعه: ابعاد مفهومی، مبانی و الگوی دینی و بومی. راهبرد یاس، سال اول، شماره دوم.
- ازکیا، مصطفی. غفاری غلامرضا (۱۳۸۳). توسعه روستایی با تاکید بر جامعه روستایی ایران. تهران: نی.
- ازکیا، مصطفی. غفاری، غلامرضا (۱۳۹۰). جامعه شناسی توسعه. انتشارات کیهان، چاپ نهم.
- بنیانیان، علیرضا (۱۳۹۳). الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت، ضرورت‌ها و نتایج. انتشارات الگوی اسلامی پیشرفت وابسته به مرکز الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت. چاپ اول، اردیبهشت.
- پاتنام، رابرت (۱۳۸۵). دموکراسی و سنت‌های ملنی. ترجمه دلفروز محمد تقی. تهران: دفتر مطالعات سیاسی کشور.
- پاتنام، رابرت (۱۳۸۴). سرمایه اجتماعی، اعتماد، دموکراسی و توسعه؛ در کیان تاجبخش، ترجمه افشین خاکباز و حسین پویان. تهران: نشر شیرازه.
- تاجبخش، کیان (۱۳۸۴). سرمایه اجتماعی، اعتماد و توسعه. ترجمه خاکباز افشین، پویا، حسن. تهران: شیرازه.
- توسلی، غلامعباس (۱۳۸۴). سرمایه‌ی اجتماعی، ثروت نامرئی. نشریه حیات نو اقتصادی.
- توسلی، غلامعباس. موسوی، مرضیه (۱۳۸۴). مفهوم سرمایه اجتماعی در نظریات کلاسیک و جدید بر نظریه‌های سرمایه اجتماعی. نشریه علمی پژوهشی نامه علوم اجتماعی، شماره ۲۶، ۱-۳۲.
- تونیکس، فران (۱۳۸۷). اعتماد و سرمایه اجتماعی. تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی، چاپ اول.
- خمینی، سید روح اله (۱۳۸۵). صحیفه امام. تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

توسعه‌یافتگی سیاسی از منظر ... (محمد رضا دمیری و سیدمصطفی ابطیحی) ۴۹

- خواجه سروی، غلامرضا (۱۳۹۲). رقابت سیاسی و ثبات سیاسی در جمهوری اسلامی ایران. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی ایران.
- خوش چهره، محمد (۱۳۹۱). اصول پایه ای و عناصر کلیدی الگوی اسلامی ایرانی، پیشرفت از منظر اسناد فرادستی نظام ج.ا.ایران. فصل نامه راهبردی، سال بیست و یکم، شماره ۶۲، ۲۴۶-۲۱۹.
- دلشاد تهرانی، مصطفی (۱۳۷۹). دولت آفتاب: اندیشه سیاسی و سیره حکومت علی(ب). تهران: دریا.
- زتومکا، پیوتر (۱۳۸۷). اعتماد: یک نظریه جامعه شناختی. ترجمه غلامرضا غفاری. چاپ دوم. تهران: نشر شیرازه.
- زین آبادی، مرتضی (۱۳۸۷). بررسی وضعیت اعتماد در جامعه ایران و راه های بازسازی آن، پژوهشنامه اعتماد اجتماعی. تهران: انتشارات مرکز راهبردی تشخیص مصلحت نظام.
- شریفی، طاهره (۱۳۸۷). اعتماد اجتماعی و آموزه های دینی، پژوهش و اعتماد اجتماعی. تهران: انتشارات مرکز راهبری تشخیص مصلحت نظام.
- شیخی، محمد حسین (۱۳۹۰). عوامل موثر بر سلامت نظام اداری و رشد ارزش های اخلاق در آن اسلام. پژوهش های مدیریتی. سال اول، شماره دوم، ۹۹-۱۲۶.
- غفوری و جعفری (۱۳۸۶). سرمایه اجتماعی؛ جامعه مدنی و دموکراسی رابطه متقابل یا یکسو. پژوهش نامه علوم سیاسی. سال سوم، شماره دوم.
- فرانسیس، فوکویاما (۱۳۷۹). سرمایه اجتماعی و حفظ آن. ترجمه غلامعباس توسلی. تهران: جامعه ایرانیان.
- فصیحی، امان الله (۱۳۸۹). اسلام و سرمایه اجتماعی؛ با تاکید بر رویکرد فرهنگی. انتشارات پژوهشگاه فرهنگ هنر و ارتباطات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- فیلد، جان (۱۳۸۵). سرمایه اجتماعی. ترجمه ی متقی جلال، تهران: موسسه عالی پژوهش تامین اجتماعی.
- محمدی، محمدعلی (۱۳۸۴). سرمایه اجتماعی و سنجش آن. تهران: دانشگاه علوم بهزیستی و توان بخشی، چاپ اول.
- نهج البلاغه، ترجمه: محمد دشتی، چاپ دوم (۱۳۸۶) مشهد، آئین تربیت.
- الوانی، مهدی. شیروانی، علیرضا (۱۳۸۵). سرمایه اجتماعی، مفاهیم و کاربرد ها. تهران: مانی.
- الویری، محسن (۱۳۸۴). سند چشم انداز توسعه و سرمایه اجتماعی، اندیشه صادق، شماره ۱۱ و ۱۲.

- Batt, Peter J. (2008), " Building Social Capital in Network" Industrial Marketing Management 37, Available online 15 May 2008.
- Jenny Onyx and Paul Bullen (1998) : "measuring social capital in five communities in nsw:an analys" (cacom) university of technology, sydney ,Australia. In the management altrrnative pty ltd.
- Putnam,r (1995). "Bowling alone": America , s (declining social capital, journal Democracy (vol6, No1.
- Torgler, B.J. (2007). "Trust in international organization" . Australia, university of technology.

